

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

جریان شناسی حقوق بشر و حقوق شهروندی در ایران

جلد اول:
چهارچوب نظری و مفهوم شناسی

مؤلفان:

علی ربیع زاده

دکتری حقوق عمومی

توکل حبیب زاده

دانشیار حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: جریان‌شناسی حقوق بشر و حقوق شهروندی در ایران (جلد اول)

تألیف: دکتر علی ربیع‌زاده و دکتر توکل حبیب‌زاده

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

صفحه‌آرا: رضا عبداللهی بجنندی

طراح جلد: محمدحسین بصیری

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۴ / قیمت: ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک ج: ۱: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۵۴-۱

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۵۸-۹

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲

تلفن: ۰۳۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: <https://isupub.ir> • E-mail: pub@isu.ac.ir

سرشناسه: ربیع‌زاده، علی، ۱۳۷۰-

عنوان و نام پدیدآور: ریان‌شناسی حقوق بشر و حقوق شهروندی در ایران /

مؤلفان علی ربیع‌زاده و توکل حبیب‌زاده.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری: ۴ ج.

شابک: ۱-۰۵۴-۳۸۱-۶۲۲-۹۷۸

موضوع: حقوق بشر - ایران - تاریخ

موضوع: حقوق مدنی - ایران - تاریخ

شناسه افزوده: حبیب‌زاده، توکل، ۱۳۴۵-

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده‌بندی کنگره: K ۳۲۴۰

رده‌بندی دیویی: ۳۲۳/۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۳۴۷۰

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ،

فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

تقدیم به ساحت

نمونه بی‌مثال ارزش‌ها و کرامت انسانی،

«صراط مستقیم»

مولایمان علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)

این کتاب برگرفته از رساله دکتری علی ربیع زاده با عنوان
«جریان‌شناسی حقوقی مواضع و عملکرد کنشگران حقوق
بشری در ایران» به راهنمایی دکتر توکل حبیب‌زاده و
مشاوره دکتر محمدجواد جاوید و دکتر باقر انصاری،
دفاع شده در دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه
امام‌صادق (علیه‌السلام) در شهریور سال ۱۴۰۲ است.

فهرست اجمالی

سخن ناشر	۱۳
مقدمه مؤلف	۱۵
مقدمه جلد اول	۲۵
فصل اول: جریان شناسی و مطالعات جریان شناختی	۲۷
فصل دوم: حقوق جهانی بشر	۵۷
فصل سوم: حقوق شهروندی	۷۷
فصل چهارم: کنشگران حقوق بشری	۹۵
یادداشت ها	۱۰۷
منابع و مأخذ	۱۱۱

فهرست تفصیلی

سخن ناشر	۱۳
مقدمه مؤلف	۱۵
مقدمه جلد اول	۲۵
فصل اول: جریان شناسی و مطالعات جریان شناختی	۲۷
مقدمه	۲۷
۱-۱. پیشینه مطالعات جریان شناختی در ایران و جهان	۳۰
۱-۱-۱. پیشینه مطالعات عمومی جریان شناسی	۳۰
۲-۱-۱. پیشینه مطالعات جریان شناسی حقوق بشر و شهروندی	۳۲
۱-۲. مفهوم و تعریف جریان و جریان شناسی	۳۶
۱-۲-۱. تحلیل لغوی «جریان» و «جریان شناسی»	۳۶
۲-۲-۱. رویکردهای ماهوی در تعریف و روش جریان شناسی	۳۷
۱-۲-۲-۱. رویکرد فکری - اندیشه‌ای	۳۹
۲-۲-۲-۱. رویکرد عینی - اجتماعی	۴۲
۱-۳. دیدگاه و رویکرد برگزیده درباره جریان شناسی	۵۴
فصل دوم: حقوق جهانی بشر	۵۷
مقدمه	۵۷
۲-۱. پیشینه حقوق جهانی بشر در عصر حاضر	۵۸
۲-۲. تعریف و مفهوم شناسی حقوق بشر	۶۷
۲-۳. نسل‌های حقوق بشر و مصادیق آن	۷۱
۱-۳-۲. نسل نخست: حقوق مدنی و سیاسی	۷۱

۷۳	۲-۳-۲. نسل دوم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۷۴	۲-۳-۳. نسل سوم: حقوق هم‌بستگی
۷۷	فصل سوم: حقوق شهروندی
۷۷	مقدمه
۷۸	۳-۱. پیشینه شهروندی و حقوق شهروندی از گذشته تاکنون
۸۴	۳-۲. تعریف و مفهوم‌شناسی حقوق شهروندی
۸۵	۳-۳. مصادیق حقوق شهروندی
۸۷	۳-۴. نسبت و رابطه حقوق بشر و حقوق شهروندی
۸۸	۳-۴-۱. تفاوت‌ها و تمایزات
۹۰	۳-۴-۲. تشابهات و رابطه متقابل
۹۵	فصل چهارم: کنشگران حقوق بشری
۹۵	مقدمه
۹۵	۴-۱. پیشینه و انواع کنشگران حقوق بشری
۹۶	۴-۲. کنشگران حکومتی و دولتی
۹۹	۴-۳. کنشگران علمی. اندیشه‌ای
۱۰۲	۴-۴. کنشگران جامعه مدنی
۱۰۷	یادداشت‌ها
۱۱۱	منابع و مأخذ

فهرست جدول‌ها

جدول شماره (۱): مقایسه حقوق جهانی بشر و حقوق شهروندی در گفتمان علمی
رایج ۹۴

فهرست شکل‌ها

شکل شماره (۱): اجزای اصلی تشکیل دهنده واقعیت اجتماعی از منظر مکتب
کارکردگرایی در علوم اجتماعی؛ کارکردگرایان به واقعیت اجتماعی در کنار
واقعیت ذهنی افراد اعتقاد و در فعالیت‌های علمی خود توجه ویژه‌ای دارند .. ۴۴

فهرست تصویرها

تصویر شماره (۱): امضای منشور ملل متحد از سوی هیئت نمایندگی ایران (رژیم
پهلوی) در اجلاس سانفرانسیسکو، ۲۵ ژوئن ۱۹۴۵ (سه شنبه ۵ تیر ۱۳۲۴)؛
مصطفی عدل در حال امضای منشور. ایستاده از راست، باقر کاظمی، علی اکبر
سیاسی و نصرالله انتظام ۵۹

- تصویر شماره (۲): تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل با قطعنامه ۲۱۷، ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ (جمعه ۱۹ آذر ۱۳۲۷) با حضور دکتر قاسم غنی، نماینده ایران (رژیم پهلوی) ۶۰
- تصویر شماره (۳): اعضای کمیته تدوین پیش‌نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸-۱۹۴۶)؛ در میان این افراد خانم النور روزولت، همسر فرانکلین روزولت رئیس‌جمهوری وقت ایالات متحده آمریکا، نقش محوری و کلیدی داشت ۶۲
- تصویر شماره (۴): تالار جلسات شورای حقوق بشر سازمان ملل، کاخ ملل در ژنو سوئیس؛ نماد تجسمی سقف این تالار با نام هنری اتحاد تمدن‌ها در سال ۲۰۰۸ طراحی و اجرا شده است ۶۷
- تصویر شماره (۵): کارل واساک، طراح ایده نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر ۷۰
- تصویر شماره (۶): عکس اول: متن ۱۷ ماده اعلامیه که در موزه انقلاب فرانسه نگهداری می‌شود. عکس دوم: ژیلبر دولافایت در ۱۷۹۱ ۸۲

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل/ آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب

می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است. دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی‌های جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

و لله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه مؤلف

هسته اصلی مباحث حقوق بشر را در حقیقت «نظریه حقوق بشر» و «شبکه موضوعات و مسائل حقوق بشری» شکل می‌دهد و قابلیت‌های کاربردی و اجرایی قواعد حقوق بشر و همچنین ضمانت اجرای آن‌ها نیز با استفاده از این نظریه تأمین می‌شود. اهمیت نظریه حقوق بشر از این جهت است که وظایف مهمی را از جمله تبیین مبنای الزام‌آوری هنجارهای حقوق بشری، منابع کشف یا تأسیس، مصادیق حقوق بشر و مشخص نمودن نسبت هریک با این نظریه، تبیین سلسله‌مراتب آن‌ها از جهت تقدم و تأخر و مرتبه، کمیت و کیفیت تعامل حقوق بشر با حقوق شهروندی و در نهایت طراحی تضمینات اجرایی را بر عهده دارد و به‌طورکلی بدون تبیین منسجم این نظریه، تمامی فعالیت‌های علمی و کاربردی بدون نتیجه می‌ماند و در نهایت امکان گفتمان سازی، الگوسازی، مدل سازی و درمجموع کشف و حل مسئله در ارتباط با مناسبات بومی و ملی از میان می‌رود.

یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین خلأهای موجود در عرصه علمی و کاربردی حقوق بشر و حقوق شهروندی در ایران، فقدان نظریه‌پردازی‌های بومی، اسلامی و الگوهای کاربردی و راهبردی منسجم است که به دنبال آن، مشکلات عدیده و ریشه‌داری در سطوح مختلف حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده است. برای مثال، می‌توان به پراکندگی و عدم اتقان فعالیت‌های نظری، غلبه زاویه نگاه سیاسی و امنیتی به موضوع

حقوق بشر و حقوق شهروندی در بیشتر زمینه‌ها به علت تهدیدهای داخلی و خارجی گسترده، موضع انفعالی پژوهشگران فقه و حقوق اسلامی در برابر گفتمان غربی حقوق بشری، موازی‌کاری و سردرگمی نسبی کنشگران رسمی مانند ستاد حقوق بشر، قوه قضائیه و وزارت امور خارجه در مواجهه با مشکلات و چالش‌ها، تحولات در عرصه اندیشه و فرهنگ و تأثیر آن بر نظام هنجاری به واسطه گفتمان حقوق جهانی بشر و حقوق شهروندی و درنهایت، دیپلماسی عمومی منفعل در تعامل با کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی درباره این موضوع اشاره کرد.

حجم این چالش‌ها از ابتدای انقلاب اسلامی به‌ویژه در دو دهه گذشته به‌اندازه‌ای بوده و هست که مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان قوه قضائیه در سال ۱۳۹۵، به‌صورت جدی «تبیین و پیگیری حقوق بشر اسلامی با پایه‌های متقن و عقلانی در افکار عمومی و مجامع حقوقی جهان» [۱] را از دانشگاهیان، حوزویان و قوه قضائیه مطالبه کردند و محور اصلی حل مشکلات یادشده را چنین موضوعی دانستند.

اگر به‌صورت مختصر روند نظریه‌پردازی و الگوسازی راهبردی در حقوق بشر و حقوق شهروندی را تلاش‌های متراکم و منسجم کنشگران مختلف برای پاسخ به مسائل کشف‌شده یا تجربیات عینی در عرصه حقوق بشر و شهروندی بدانیم، این موضوع بدون بررسی وضعیت موجود حقوق بشر و حقوق شهروندی در ایران به‌ویژه جریان‌های فعال در این عرصه میسر نخواهد بود؛ زیرا بدون اشراف بر وضعیت و کیفیت مواضع و اقدامات کنشگران این عرصه در ایران، تلاش‌های عملی و نظری ارتباط خود را با واقعیت‌های اجتماعی از دست می‌دهند و نمی‌توانند جایگاه خود را در مقایسه با دانش تولیدشده موجود پیدا کنند. در نتیجه، توسعه پژوهش‌ها از عرصه نظر به حوزه عمل با اختلال اساسی مواجه خواهد شد و چرخه اصلی تبدیل دانش به

بینش و بینش به کنش دچار بحران می‌شود.

با عنایت به مقدمات بالا، به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین لوازم دستیابی به نظریه بومی، کاربردی و اسلامی در حقوق بشر و حقوق شهروندی از سویی و اشراف کلان بر وضعیت موجود جریان‌های فعال در ایران از سوی دیگر، مطالعه چندبعدی و طبقه‌بندی شده جریان‌های فعال در میان کنشگران عرصه حقوق بشر و حقوق شهروندی در ایران باشد.

یکی از مهم‌ترین مسائل در پژوهش‌های جریان‌شناختی، مشخص کردن روش پژوهش و مؤلفه‌هایی است که برای کشف، مطالعه و طبقه‌بندی جریان‌ها به کار گرفته می‌شود. با توجه به اینکه جریان‌های حقوق بشری فعال در ایران پس از انقلاب اسلامی به دلیل موقعیت سیاسی ایران در سطح بین‌المللی و چگونگی تعامل با کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای غربی، حضور پررنگ و اثرگذار مذهب در ساحت‌های اجتماعی و رسمی کشور، بی‌شماری کنشگران علمی، دانشگاهی و رسانه‌ای در حوزه حقوق بشر و حقوق شهروندی و فعالیت عمده جریان‌های اندیشه‌ای مانند روشن‌فکران و نواندیشان و بسیاری از عوامل دیگر، از گستره و تحولات بسیاری برخوردارند، از این رو فضای نسبتاً پررونق و پرمخاطبی را برای خود فراهم ساخته‌اند. در میان این گستردگی جریان‌های فعال در عرصه حقوق بشر و حقوق شهروندی، جریان‌های رسمی مرتبط با امور حقوقی و قضایی کشور، جریان‌های هم‌راستا با گرایش‌های سیاسی مانند طیف‌های گوناگون اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، جریان‌های غیررسمی در عرصه کنشگران جامعه مدنی، جریان‌های دانشگاهی با محوریت فعالیت‌های تخصصی و نقش‌آفرینی در گزارش‌دهی به سازمان‌های بین‌المللی، جریان‌های وابسته به نهادهای دینی رسمی، جریان‌های وابسته به حوزه علمیه و روحانیت، جریان‌های علم دینی و حتی جریان‌های امتناعی و مخالف حقوق بشر به چشم می‌خورند.

این جریان‌ها در کنار اثرگذاری مستقیم بر افکار عمومی و برخورداری از قدرت گفتمان‌سازی داخلی، با نقش‌آفرینی‌های بین‌المللی خود، مواضع و سبک تعاملات سازمان ملل متحد و ارکان حقوق بشری آن را در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران دستخوش تغییر ساخته‌اند. این جریان‌ها در عین گستردگی، طبعاً با ماهیت‌های مختلف و در پوشش‌های گوناگون حقوقی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی مشغول به فعالیت هستند و چه بسا بسیاری از آن‌ها در پوشش‌های غیرمرتبط به نقش‌آفرینی پرداخته‌اند. از این رو روش به کار گرفته شده برای کشف و مطالعه این جریان‌ها باید بتواند تا حد امکان این گستره را در خود بگنجانند و به پشتوانه منابع کتابخانه‌ای در دسترس و منابع میدانی مشهود، آن‌ها را احصا و بررسی کند.

با توجه به اینکه ماهیت اصلی این پژوهش کیفی از حیث نوع گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای و از حیث غایت، بنیادین است، مهم‌ترین روشی که در کنار رویکرد عینی-اجتماعی به جریان‌شناسی (به شرح مطالب فصل اول) برای تحلیل و ارائه استدلال در آن استفاده می‌شود، روش تحلیل مضمون (تحلیل محتوا) است که از انواع روش‌های کیفی پژوهش در علوم اجتماعی شمرده می‌شود. تحلیل مضمون، روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای اجمالی یا تفصیلی مضامین داده‌ها و منابع محتوایی است. این روش، انواع داده‌های تحقیق را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند و فرایندی برای تحلیل داده‌های کیفی به شمار می‌آید. این فرایند شامل کدگذاری، طبقه‌بندی و استنباط یا تفسیر اطلاعات کیفی است و بر اساس نیاز و ویژگی‌های تحقیق می‌تواند با فهرست اجمالی یا تفصیلی مضامین، الگوهای ساده یا پیچیده از مضامین، شاخص‌ها یا ویژگی‌های ارتباط مضامین یا ترکیبی از موارد یادشده صورت گیرد (جاوید، ۱۳۹۱: ۱۵۷-۱۶۰). از آنجاکه تحلیل مضمون، تحلیلی کیفی است، پاسخ روشن و صریحی در

مورد اینکه تعداد داده‌ها یا منابع مناسب و مورد نیاز برای دستیابی به مضامین چقدر است، وجود ندارد. از این رو در این تحقیق بیش از ۸۰۰۰ عنوان از آثار مرتبط با حقوق بشر و حقوق شهروندی (اعم از کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های دانشگاهی) با هدف افزایش اتقان علمی و ارتقای کیفیت مضامین مورد بررسی قرار گرفته است. با اتکا به این نکات، بر اساس روش و گام‌بندی مشخص، مضامین به این صورت کشف و طبقه‌بندی می‌شوند. ۱. مضامین اصلی (کدها و نکات کلیدی متن یا محتوا)، ۲. مضامین سازمان‌دهنده (نکات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین اصلی) و ۳. مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان کل). سپس این مضامین به صورت نقشه‌ها یا الگوهای مختلف تبیین می‌شود که در آن مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها تعیین می‌شود و درعین حال، کشف محتوای پنهان داده‌ها یا واحدهای مورد تحلیل از ورای گفته‌ها، تصویرها، نمادها و... نیز صورت می‌گیرد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۸-۱۵۴).

بدین صورت نگارندگان معتقدند برای محقق شدن اهداف پژوهش باید افزون بر به‌کارگیری روش‌های مرسوم پژوهش‌های جریان‌شناختی در علوم اجتماعی به ویژه روش تحلیل مضمون، گام‌های پژوهش و نیز مؤلفه‌های آن متناسب با ماهیت جریان‌های مورد مطالعه در زمینه حقوق بشر و حقوق شهروندی و همچنین، تأکید بر ابعاد حقوقی مواضع و عملکرد آن‌ها با طراحی شود. در نتیجه، لازم است پس از بررسی گسترده تولیدات (آثار و مواضع حقوقی) و نقش‌آفرینی حقوقی (عملکرد) فعالان عرصه حقوق بشر و حقوق شهروندی، با پیمودن فرایند پژوهشی تخصصی و کاملاً گام‌بندی شده، اهداف این پژوهش محقق و تا حد امکان از محدودیت‌های روش تحلیل مضمون (تحلیل محتوا) اجتناب شود.

بر اساس پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق و با توجه به گستردگی مباحث حقوق بشر و حقوق شهروندی و نیز اقتضائات شکلی و محتوایی پژوهش، بازه تاریخی مورد بررسی در این پژوهش، تحلیل و جریان‌شناسی حقوقی مواضع و اقدامات کنشگران از ابتدای انقلاب اسلامی تا سال ۱۴۰۰ (پایان دولت حسن روحانی) است؛ زیرا جریان سیاسی-اجتماعی و جریان فکری حاکم بر عمده کنشگران، با تغییر نظام سیاسی تغییرات شایان توجهی دارد و بر اساس اصل پیوستگی برساخت‌های اجتماعی، این ارتباط کاملاً منقطع نمی‌شود و آثار آن مدت‌ها باقی است، اما تحولات و مسیر حرکت جریان‌های حاکم بر کنشگران حقوق بشر و حقوق شهروندی در ایران، نوسانات سریع و مداومی را تجربه کرده است. همچنین، با توجه به ماهیت مباحث حقوق بشر و حقوق شهروندی و محوریت داشتن رویکرد عینی-اجتماعی در جریان‌شناسی، این تحقیق به ترتیب اولویت بر مواضع و اقدامات کنشگران حکومتی و دولتی، کنشگران علمی و در انتها کنشگران جامعه مدنی (در حاشیه دیگر کنشگران) متمرکز خواهد بود.

محدودیت‌ها و موانع زیادی در مسیر این پژوهش وجود داشته است و نگارندگان کوشیده‌اند با بهره‌گیری از دیدگاه اساتید گران‌قدر، پژوهشگران و صاحب‌نظران و نیز توسعه محدوده زمانی و منابع مطالعات و تحقیقات خود، اثر منفی محدودیت‌های یادشده را به حداقل ممکن برسانند. این محدودیت‌ها و موانع شامل موارد زیر می‌شود:

- فقدان پیشینه منسجم و بدیع بودن ادبیات جریان‌شناسی در ایران و جهان به‌ویژه جریان‌شناسی حقوقی در عرصه حقوق بشر و حقوق شهروندی.
- ابهام و اختلاف نظر میان کاربرد مطالعات جریان‌شناختی در علوم اجتماعی به‌ویژه حقوق و به‌خصوص مباحث حقوق بشر و حقوق شهروندی.

- دشواری روش مطالعات جریان‌شناختی و ضرورت مطالعه و بررسی طیف گسترده‌ای از منابع کتابخانه‌ای و پدیده‌های عینی-اجتماعی به‌ضمیمه چالش‌های صورت‌بندی منطقی و منسجم دستاوردهای حاصل از این‌گونه مطالعات.
 - نواقص گسترده روش‌شناختی الگوها و رویکردهای موجود برای جریان‌شناسی مواضع و اقدامات کنشگران به‌ویژه تک‌بعدی بودن رویکردهای موجود و ناکافی بودن آن‌ها.
 - گستره مباحث و مسائل حقوق بشری و ارتباط نزدیک آن با حقوق شهروندی، حقوق عمومی، حقوق عامه و دیگر موضوعات مشابه که دشواری کشف تصویر کلی و برآیند حاکم بر مواضع و اقدامات کنشگران را چندین برابر می‌کند. فقدان اجماع و اتفاق نظر درباره تعریف و مصادیق اصطلاحات یادشده میان صاحب‌نظران نیز مزید بر علت است.
 - پیوستگی مباحث حقوق بشر و حقوق شهروندی با سیاست و امر سیاسی که دستیابی شناختی و معرفتی به مواضع کنشگران و دلالت‌گیری مستقیم از گویش و کنش آن‌ها را با موانع بسیار زیادی مواجه می‌سازد.
- با عنایت به عنوان، موضوع، پرسش‌ها و فرضیات تحقیق و با هدف کاهش محدودیت‌ها و خطاهای علمی و روش‌شناختی، ساختار کلی این پژوهش که درحقیقت، بر اساس گام‌های روشمند طراحی شده، به شرح زیر است.
- ۱- جلد اول (فصل اول): چهارچوب نظری و مفهوم‌شناسی: در این جلد ابتدا چند مؤلفه بنیادین در پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه برگزیده نگارندگان درباره آن‌ها تبیین شده است. «جریان‌شناسی و مطالعات جریان‌شناختی»، «حقوق جهانی بشر»، «حقوق شهروندی» و «کنشگران حقوق بشری» اجزای اصلی مطالب این جلد هستند.

۲- جلد‌های دوم و سوم (فصل دوم): تاریخ حقوق بشر و حقوق شهروندی در ایران در این دو جلد مواضع و اقدامات کنشگران حکومتی و دولتی و کنشگران علمی و در حاشیه آن، کنشگران جامعه مدنی به مثابه ارکان بسیار مهم در جمع کنشگران فعال، در خط زمانی منظمی از ابتدای انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) تا سال ۱۴۰۰ و در شش دوره تاریخی مجزا توصیف شده است. با هدف اتقان علمی و انسجام بخشی به مباحث این فصل، در آغاز هر مقطع تاریخی، ابتدا به شرایط و وقایع مؤثر بر مواضع و اقدامات کنشگران اشاره شده و سپس عملکرد کنشگران در سطوح مختلف کنشگری بیان شده است و در پایان، نگارندگان با کمک تحلیل‌ها و منابع موجود، وضعیت کلی دوره را جمع‌بندی کرده‌اند. با توجه به اینکه در این فصل توصیف دقیق و امانت‌داری در نقل موضوعیت داشته است، نگارندگان کوشیده‌اند تا با استفاده از منابع خبری و علمی مختلف از طیف‌های متنوع، دقت علمی مطالب را افزایش دهند و تا حد امکان پیش‌فرض‌های ذهنی خود را حین نقل مطالب تحمیل نکنند. پرواضح است که توصیف منسجم و پیوسته روند مواضع و اقدامات کنشگران حقوق بشری مهم‌ترین پیش‌نیاز تبیین جریان‌های حقوق بشری است.

جلد چهارم (فصل سوم): طبقه‌بندی و آسیب‌شناسی جریان‌های حقوق بشر و حقوق شهروندی در ایران: در این بخش در نتیجه مطالب مجلدات گذشته، تلاش شده است تا ابتدا جریان‌های حاکم بر کنشگران فعال، شناسایی، طبقه‌بندی و جانمایی شود. سپس هویت، محتوای درونی و رویکرد فکری-اجتماعی هر جریان به ضمیمه مجموع استدلال‌ها و مدعیات آن‌ها از زوایای مختلف تحلیل و آسیب‌شناسی شده، سیر تاریخی حرکت جریانی آن‌ها در طول ادوار مختلف و در تطبیق با مواضع و اقدامات یادشده در فصل دوم به‌ویژه در رقابت با یکدیگر و جابه‌جایی میان کنشگران مختلف مورد بررسی

و مذاقه قرار گرفته است. با توجه به اینکه کنشگران جامعه مدنی در این پژوهش در حاشیه دیگر کنشگران بررسی شده‌اند، جزئیات مربوط به جریان‌های حاکم بر آن‌ها هم به اختصار بیان شده است. در قسمت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری (انتهای جلد چهارم)، تلاش شده است ضمن ارائه خلاصه‌ای از مطالب، چند موضوع بسیار مهم از جمله رویکرد قانون اساسی نسبت به حقوق بشر و حقوق شهروندی و دیدگاه عالی‌ترین مقام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در مقیاس جریان‌های یادشده تبیین شود. همچنین، درک جریان‌ها از مفهوم و مصادیق حقوق بشر و حقوق شهروندی، الگوی کلان و نقشه هوایی فعالیت جریان‌ها و آسیب‌شناسی حقوقی و قانونی آن‌ها از دیگر موضوعاتی است که در جمع‌بندی پژوهش بیان شده است. امید است با عنایت پروردگار و تمسک به دریای بی‌کران علم و کرامت اهل بیت (علیهم‌السلام)، مجموع تلاش‌های صورت‌گرفته در این پژوهش ثمربخش و ماندگار شود.

در پایان از زحمات خالصانه و متواضعانه و حمایت‌های همه‌جانبه دکتر سیدمحمد مهدی غمامی، مدیر محترم اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، دکتر محمد نعمتی، ریاست محترم پژوهشگاه دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) و اساتید گران‌قدر دکتر باقر انصاری، دکتر سیداحمد حبیب‌نژاد، دکتر سیدمحمد هادی راجی، دکتر اکبر طلابکی و دکتر محمدجواد جاوید در تمام مراحل این پژوهش سپاسگزاریم.

علی ربیع‌زاده

دکتری حقوق عمومی و قائم‌مقام اندیشکده حقوق بشر و شهروندی
دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

توکل حبیب‌زاده

دانشیار و مدیر گروه حقوق عمومی دانشکده معارف اسلامی و حقوق
دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

مقدمه جلد اول

نخستین گام ضروری پیش از ورود به مطالعات جریان‌شناختی، تبیین عناصر و ارکان اساسی تحقیق و ترسیم چهارچوب نظری هریک از آنهاست. نامتعیین بودن عموم مباحث علوم انسانی و علوم اجتماعی، ظرافت‌های موجود در طرح مباحث روش‌شناختی، بدیع بودن مطالعات جریان‌شناسی و ابهاماتی که در این زمینه وجود دارد، دشواری ارائه چهارچوب نظری و روشی پژوهش را دوچندان می‌کند و باید برای برطرف کردن این چالش‌ها صبورانه به پای این موضوع مهم نشست. ارائه دیدگاه برگزیده درباره هریک از مؤلفه‌های اساسی که از قضا در برخی موارد با تعاریف رایج و مؤلفه‌های آن همسو و گاه با نقد مبنایی و ساختاری آن‌ها همراه است، نخستین تلاش برای پایه‌گذاری مقدمات ضروری پژوهش و تثبیت واسطه‌های لازم در راستای دستیابی به ذهنیت مشترک و نظام‌مند برای خوانندگان و مخاطبان است.

جریان‌شناسی و مطالعات جریان‌شناختی به همراه ارائه مفهوم و تعریف جریان، پیشینه مطالعات جریان‌شناختی در ایران و جهان، رویکردهای موجود و جمع‌بندی دیدگاه برگزیده، مفهوم‌شناسی حقوق بشر و حقوق شهروندی و تبیین رابطه متقابل آن‌ها با یکدیگر، معرفی کنشگران حقوق بشری و انواع آن‌ها عناصر اصلی این فصل را تشکیل می‌دهد.

جریان‌شناسی و مطالعات جریان‌شناختی

مقدمه

از اصطلاحات نسبتاً نوپدید و درعین حال، پرکاربرد در زمینه‌های فکری، فرهنگی و سیاسی و در برخی موارد پژوهشی پس از انقلاب اسلامی، «جریان» و «جریان‌شناسی» و مجموعه‌ای از مطالعات مرتبط با آن‌هاست. اصطلاح جریان‌شناسی در حالات مختلف استعمال خود مانند «جریان‌شناسی سیاسی»، «جریان‌شناسی فرهنگی»، «جریان‌شناسی فکری» و برخی موضوعات خاص‌تر در شاخه‌های علوم انسانی و الهیات رواج یافته است. با توجه به نوپدید بودن مطالعات جریان‌شناختی در کشور و پیشینه مختصر آن، ضروری است در گام نخست به تبیین این اصطلاح از لحاظ ماهوی و روشی پرداخت.

در سال‌های اخیر به دنبال استقبال نسبی مخاطبان، آثار متعددی در محدوده علمی و رسانه‌ای جریان‌شناسی موضوعات و امور مختلف تدوین و رویدادهای آموزشی در سطوح مختلفی با عناوین مشابه برگزار شده است و می‌شود. پژوهشگران و فعالان عرصه یادشده هریک با گرایش‌های فکری و دغدغه‌های گوناگون و جهت‌گیری‌های فکری یا سیاسی خود، موضوعات

تاریخی، فکری، فرهنگی و اجتماعی (در لایه‌های مختلف) را توضیح می‌دهند و هریک بر اساس رویکرد نظری یا مفروضات و اهداف پذیرفته شده خود، به دسته‌بندی اندیشه‌ها و طبقه‌بندی کنشگران عرصه‌های مختلف و تبیین پدیده‌ها و امور عینی - اجتماعی می‌پردازند و به نوعی روند مورد نظر خود را از تاریخ و جامعه مورد بررسی استخراج و با روش‌های گوناگون به مخاطب عرضه می‌کنند.

دستاوردها و گفت‌مان حاصل از مطالعات جریان‌شناختی دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاصی است که بسیاری از مخاطبان و علاقه‌مندان، از کنشگران حکومتی و دولتی تا فعالان علمی و نیز اشناری از عموم مردم را به خوبی جذب خود کرده است. از این رو گروه‌های مختلف فکری - فرهنگی و به ویژه پژوهشگران تاریخ اندیشه، فعالان یا احزاب سیاسی و در برخی موارد رسانه‌ای مختلف سعی می‌کنند از این ادبیات جذاب استفاده کنند و بر اساس مبانی یا منافع خود، به دسته‌بندی و معرفی آن پردازند و از این طریق، جایگاه خود را تثبیت و تمایزات خود را با دیگر جریان‌ها و گروه‌های مشابه روشن کنند. این تفاوت‌ها و حتی در برخی موارد تضاد یا رقابت منفی میان کنشگران و فعالان در عرصه‌های گوناگون، کثرت اهداف و نیز تفاوت مبانی (صریح یا ضمنی) آن‌ها، موجب می‌شود آثار متنوعی پدید آید که به مطالعه جریان‌ها پردازد. به بیان دیگر، از ظرفیت‌های این مطالعات برای هویت‌یابی و هویت‌سازی به شیوه‌های مختلف استفاده می‌کنند (غم‌امی، بی‌تا: ۱۰-۱۸).

گاه طیف و دامنه فعالیت‌ها و مطالعات جریان‌شناختی - که به علت تنوع خود آگاه یا ناخود آگاه در منطق، اصول یا روش آن‌هاست - به اندازه‌ای گسترده است که می‌توان ادعا کرد در برخی موارد این دسته از فعالیت‌ها خود به جریان‌شناسی و طبقه‌بندی و بعضاً آسیب‌شناسی و پالایش همه‌جانبه نیازمند است! نوظهور بودن این مباحث در جامعه علمی و رسانه‌ای امروز

ایران و کثرت مدعیان این موضوعات و درعین حال، عدم تنقیح مبانی و روش این مباحث، سوء تفاهم‌ها، تشتت آرا، سردرگمی و درهم‌ریختگی علمی را به دنبال داشته است (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۹: ۲۸).

جریان‌شناسی برخلاف شیوه‌های قدیمی تبیین و صورت‌بندی اندیشه و وقایع اجتماعی، معمولاً در سطوح ظاهری متوقف نمی‌شود و در برخی موارد، عمق محتوایی جریان‌ها را واکاوی می‌کند و از سوی دیگر، در توصیف متوقف نمی‌ماند، بلکه گاه به سطح ارزیابی و تجویز به خصوص در سطوح راهبردی دست می‌یابد. از این رو گروهی از نویسندگان و محققان بر این اساس و نیز به علت نامناسب بودن و فقدان انسجام عمده تولیدات و فعالیت‌های جریان‌شناختی، اصل این روش را زیر سؤال می‌برند و از ابعاد مختلفی غیرعلمی می‌دانند. مجموعه این ذهنیت‌های منفی به خودی خود عاملی برای آشفتگی بیش‌ازپیش این ادبیات و اذهان مخاطبان و طرف‌داران آن به شمار می‌آید.

جریان‌شناسی و ادبیات پیرامونی آن در فضای دانشگاهی و حوزوی کشور نیز وارد شده و در کنار تألیفات مستقل، تاکنون چند صد پایان‌نامه ارشد و دکتری با عناوین جریان‌شناسی تدوین و ارائه شده‌اند [۲]. درعین حال، نه تنها ساختار و الگوی روشی، بلکه هنوز حتی تعریف واضحی نیز از این اصطلاح به‌سختی یافت می‌شود و به ندرت می‌توان اثر علمی مدونی در این زمینه یافت. دلیل اصلی آشفتگی‌ها، نقدها و آسیب‌های ادبیات جریان‌شناسی آن است که هیچ‌گاه به عنوان روشی «علمی و پژوهشی» از آن یاد نشده است. شاهد این مطلب آن است که تنها دو کتابی که به صورت روشی در این موضوع تاکنون منتشر شده، توسط دو خبرگزاری (فارس و رسا) بوده است. در واقع، فقدان ادبیات روش‌شناختی برای جریان‌شناسی موجب شده [است] هرکسی از ظن خود با آن یار شود و بر اساس نیازها و دغدغه‌های عملیاتی

خود، افکارش را تحت عنوان جریان‌شناسی به مخاطبان ارائه دهد. اگر بخواهیم از این تشبیه‌ها و سوءتفاهم‌ها رهایی یابیم، لازم است تا جریان‌شناسی را در جایگاه درست قرار دهیم و ارزش و روش آن را روشن کنیم و منطق و الگویی مشخص و متناسب برایش ارائه دهیم. بدین منظور ناگزیریم روی نفس جریان‌شناسی کار علمی و دقیقی انجام دهیم. بنابراین، حل این مشکلات علمی و عملی نیازمند پژوهش درجه دومی درباره جریان‌شناسی است (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۹: ۳۰).

۱-۱. پیشینه مطالعات جریان‌شناختی در ایران و جهان

۱-۱-۱. پیشینه مطالعات عمومی جریان‌شناسی

از یک منظر، پیشینه مطالعات عمومی جریان‌شناختی در ایران پس از انقلاب اسلامی به میانه دهه ۱۳۶۰، پس از بازگشایی دانشگاه‌ها و گسترش فعالیت‌های ترویجی و گفتمانی در محیط دانشگاه و حوزه‌های علمیه بازمی‌گردد.

مطابق بررسی انجام‌گرفته، اولین استفاده از اصطلاح جریان‌شناسی در آثار علمی به سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ در حوزه تاریخ - خصوصاً در ادبیات بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی - اختصاص دارد. جریان‌شناسی سیاسی مطبوعاتی قدمت بیشتری از جریان‌شناسی فکری و فرهنگی دارد و این دو بر اساس نوعی گرده برداری از جریان‌شناسی سیاسی شکل گرفته‌اند. به نظر می‌رسد شکل‌گیری اصطلاح جریان‌شناسی فکری عموماً به اواخر دهه ۱۳۷۰ و اوایل دهه ۱۳۸۰ با آثار اندیشه‌وران دفتر تبلیغات اسلامی همچون حمید پارسانیا (حدیث پیمان)، مصطفی ملکیان (جلسات جریان‌شناسی فکری - فرهنگی)، سیدعباس صالحی (جریان‌شناسی فکری - فرهنگی در ایران) و محمدتقی سبحانی (جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر)

اختصاص دارد و با کار خسروپناه تثبیت می‌شود. سلوک در سیر تفهیمی جریان‌شناسی به صورت درجه دومی، ناگزیر از سویی از طیف آغاز می‌شود که علم به علم در آن شدیدتر است. نزدیک‌ترین و مقرب‌ترین منابع برای استخراج مؤلفه‌های دخیل در مفهوم جریان و جریان‌شناسی، آن‌هایی هستند که به صورت رسمی آن‌ها را تعریف کرده‌اند. بر اساس تحلیل این تعاریف رسمی که از تشویش خالی نیستند، می‌توان گام اول را برداشت و به انگاره‌های اولیه دست یافت (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۹: ۶۶).

به طور کلی، باید گفت عمده نویسندگان و پژوهشگرانی که تولیدات یا فعالیت‌های جریان‌شناختی داشته‌اند، اتفاق نظر دارند که مطالعات جریان‌شناسی پیشینه قابل رصد و متمایزی در دستاوردهای علمی داخلی و در جهان دانشگاهی غربی ندارد؛ یعنی تعریف متمایزی از جریان و جریان‌شناسی در هیچ‌یک از علوم مرتبط با آن - از قبیل علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و حتی علم حقوق وجود ندارد و مفهوم مشخص علمی یا رسمی و تعریف مورد توافقی ندارد. جریان به عنوان حقیقت اجتماعی، اصطلاح نوپایی است و سابقه بسیار کمی دارد و نزد ما ایرانیان در عصر حاضر به ویژه پس از انقلاب اسلامی رایج شده است.

البته عده‌ای معتقدند برخی اصطلاحات مانند «Current» را می‌توان معادل «جریان» دانست (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۹: ۶۶)؛ ضمن اینکه برخی چنین بیان می‌کنند که فعالیت‌های جریان‌شناختی دستاورد و پدیده جدیدی نبوده و در گذشته نیز دارای سابقه است. برای مثال، بررسی‌های مکتب‌شناسی، مطالعات «ملل و نحل» و مطالعات فقهی و کلامی «مقارن» نوعی فعالیت جریان‌شناسانه هستند، اما همین افراد نیز معتقدند جریان‌شناسی با رویکردهای نوین و تا حدی روشمند، نمونه مشابه قابل توجهی ندارد. با توجه به اینکه جریان‌شناسی سیاسی در دهه‌های گذشته

سابقه بیشتری نسبت به جریان‌شناسی فکری-فرهنگی دارد، به اعتقاد عده‌ای، جریان‌شناسی در فکر و فرهنگ حاصل دنباله‌روی از جریان‌شناسی‌های سیاسی و تحت تأثیر آن است (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۷).

اختلافات ریشه‌دار در مجموعه تعاریف اصطلاحی ارائه شده از جریان و جریان‌شناسی، گواه بدیع بودن و عدم انسجام گفتمان علمی آن و نشان‌دهنده ضرورت جمع‌بندی عالمانه و روشمند و ارائه تعریفی شفاف و تکاپذیر است. مجموعه تعاریف و تبیین‌های ارائه شده از سوی پژوهشگران و نویسندگان، هر یک به مثابه مطالعه از دیدگاهی مشخص مطابق مبانی فکری آن‌ها یا رویکردی خاص از لحاظ روش‌شناختی شمرده می‌شوند. بنابراین، دستیابی به تعریفی جامع و مانع که نقاط ارزشمند تعاریف ارائه شده را دربرگیرد و درعین حال، از نقاط ضعف آن‌ها مبرا باشد، با طی مسیر واکاوی این تعاریف و رویکردهای مختلف امکان‌پذیر خواهد بود.

۱-۲. پیشینه مطالعات جریان‌شناسی حقوق بشر و شهروندی

جریان‌شناسی یکی از روش‌های نوظهور پژوهش در علوم اجتماعی است که در ایران ابتدا در علوم سیاسی به کار گرفته شد و به کمک مطالعه جریان‌های سیاسی در کنار بررسی احزاب سیاسی توسعه یافت و به تدریج برای شاخه‌ها و گرایش‌های دیگری از علوم اجتماعی و علوم انسانی ضمن تغییرات روش‌شناختی استفاده شد. اگرچه ادعای موجهی درباره جریان‌شناسی وجود دارد که مطابق آن، مطالعات جریان‌شناختی پیشینه مشخصی در جهان دانشی غرب ندارد و ریشه‌های آن در مطالعات بومی و با پیشینه‌ای متمایزی در تاریخ اسلام قابل‌ره‌گیری است، با وجود این و با تسامح بسیار، نمونه‌های نسبتاً مشابه این مطالعات در اروپا بیشتر به پشتوانه جامعه‌شناسی و در ایالات متحده آمریکا با غلبه مردم‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم ارتباطی به کار گرفته می‌شود. مطالعات جریان‌شناختی امروزه دارای کاربردهای فراوانی

است. اشراف بر وضعیت موجود، جانمایی کنشگران علمی و عملی، تهیه نقشه‌های هوایی و مدیریت و مهندسی دانش از جمله کاربردهای جذاب آن برای دولت‌ها و حکومت‌ها و نیز اصحاب علم شمرده می‌شود.

بدین صورت جریان‌شناسی، مطالعه اندیشه‌های همگون و طبقه‌بندی شده با محوریت تأثیر متقابل اندیشه و کنش‌های اجتماعی افراد مرتبط با آن است و هنگامی که محور نظری و عملیاتی آن‌ها مستقیماً حقوق بشری باشد، جریان‌های حقوق بشری نامیده می‌شوند. این جریان‌ها با محوریت حقوق بشر شکل می‌گیرند و افزون بر اینکه عمدتاً از مبانی نظری مشخصی پیروی می‌کنند، در مباحث مختلف حقوق بشری مانند جایگاه هنجارهای حقوق بشری در نظام حقوقی داخلی، نقش سازمان‌های بین‌المللی، مصادیق حقوق بشر و سلسله مراتب میان آن‌ها، شیوه‌های تضمین و ضمانت اجرای مصادیق حقوق بشر و تکالیف دولت‌ها نسبت به آن، رابطه حقوق بشر و حقوق شهروندی و به‌طور کلی، چگونگی مواجهه با حقوق جهانی بشر در عرصه ملی و بین‌المللی دارای موضع‌گیری هستند. همچنین، عملکرد حقوقی خود را برای ترویج و آموزش حقوق بشر و حقوق شهروندی با مؤلفه‌های قابل مطالعه‌ای مانند ماهیت حقوقی و نوع پوشش، اقدامات حقوقی و تخصصی، تعامل با حاکمیت و نهادهای حکومتی، تعامل با سازمان‌های بین‌المللی و موارد مشابه سازمان‌دهی می‌کنند. در پژوهش پیش رو به دلیل تأکید بر ابعاد حقوقی جریان‌های حقوق بشری و تحلیل حقوقی عملکرد آن‌ها، احصا و تحلیل هریک از جریان‌ها بر اساس مواضع و اقدامات کنشگران حامی هریک از جریان‌ها صورت می‌پذیرد.

همان‌طور که اشاره شد، پیرامون مطالعه و پژوهش جریان‌های سیاسی، فرهنگی، فکری و اجتماعی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون آثار مشخصی تولید شده است. برای مثال، می‌توان به *جریان‌شناسی سیاسی در ایران* اثر علی

دارابی، *جریان‌شناسی سیاسی چپ در ایران* اثر حمید احمدی حاجیکالایی، *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر* اثر عبدالحسین خسروپناه و *جریان‌شناسی اندیشه اقتصادی در ایران امروز* اثر احسان خاندوزی اشاره کرد.

در بررسی‌های مفصل و گسترده‌ای که در بیش از ۸۰۰۰ عنوان از مهم‌ترین آثار موجود اعم از کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و یادداشت‌ها به عمل آمد، می‌توان به این نتیجه دست یافت که تاکنون پژوهش‌هایی از این دست به صورت کلان و جامع درباره حقوق بشر در ایران انجام نشده است و تنها تعداد انگشت‌شماری از آثار موجود داخلی نسبت به احصا و بعضاً طبقه‌بندی اقوال و آرای پژوهشگران و نویسندگان در مباحث متنوع حقوق بشری پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- کتاب *حقوق بشر از منظر اندیشمندان* اثر محمد بسته‌نگار.
- کتاب *مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و سایر مکاتب* اثر سیدصادق حقیقت.
- کتاب *حقوق بشر در جهان معاصر؛ دغدغه‌ها و ایده‌ها* به کوشش کمیسیون حقوق بشر اسلامی.
- کتاب *جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران* اثر ابراهیم شفیعی سروستانی.
- کتاب *تحولات حقوق بشری ایران* اثر جمعی از نویسندگان.
- مقاله «تأسیس نظام حقوق بشر در اسلام (بررسی امکان و اوصاف)»، شماره ۳۶ کتاب نقد، اثر زاهد ویسی.
- مقاله «حقوق بشر اسلامی؛ امتناع یا ضرورت»، شماره ۲ معرفت حقوقی، اثر مصطفی دانش‌پژوه.
- مقاله «مبانی نظری حقوق بشر در اسلام»، شماره ۵ و ۶ قیاسات، اثر سیدعلی میرموسوی.

- مقاله «اسلام و دموکراسی در خاورمیانه»، شماره ۲۹ علوم سیاسی، ترجمه حاتم قادری.
 - مقاله «حقوق بشر در مقابله اسلام و غرب»، شماره ۱۰۵ رویدادها و تحلیل‌ها، اثر رضا نظرآهاری.
- در نتیجه، پس از بررسی جامعه‌آماری گسترده‌ای از آثاری که پیرامون حقوق بشر و حقوق شهروندی منتشر شده است، می‌توان گفت هیچ‌یک به مطالعات جریان‌شناختی در سطح کلان اقدام نکرده‌اند و دارای اوصاف زیر هستند.
- تمرکز بر جنبه‌های فلسفی و نظری محض، تکرار مسائلات اعتقادی و فلسفی، مبنای پژوهی افراطی، تجویزات انتزاعی و فقدان رویکرد مسئله‌محور در بیشتر این آثار به چشم می‌خورد. حجم گسترده‌ای از کتاب‌ها و مقالات مرتبط با مبنای پژوهی با عناوین و مضامین تکراری، گواه این نکته است.
 - تعداد کمتری از آثار یادشده به مباحث کاربردی و تخصصی پرداخته‌اند، اما جنبه بومی مسائل آن‌ها بسیار محدودتر است یا در نهایت، در سطح خرد بر پژوهش‌های مسئله‌محور تمرکز دارند. در نتیجه، تحقیقات کلان در میان آن‌ها به چشم نمی‌خورد. کتاب‌ها و مقالاتی که به تحلیل مشکلات حقوق بشری و حقوق شهروندی ایران پرداخته‌اند، در این دسته قرار می‌گیرند.
 - بیشتر این آثار التفاتی به روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی و علم حقوق با رویکرد اجتماعی ندارند و در فضایی مبهم و تک‌بعدی به تحلیل هنجارهای حقوق بشری پرداخته و بعضاً به تطبیق آن‌ها به صورت موردی بر وضعیت موجود کشور اقدام کرده‌اند در حالی که پژوهش‌های جریان‌شناسی نیازمند به کارگیری ابزارها و روش‌های علوم اجتماعی است؛ زیرا با واقعیت اجتماعی جریان‌های حقوق بشری سروکار دارد.
- با توجه به نکات فوق، استفاده مستقیم از آثار یادشده و نیز پژوهش‌های جریان‌شناختی مرسوم سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی انجام شده توسط